

## بررسی انواع آزادی و مسائل مربوط به آن از منظر دین و فرمایشات مقام معظم رهبری

الهام حسن زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

تبیین و تحلیل بیانیه دوم با هدف راهکارهای اجرایی موجب گفتمان سازی، ایجاد باور عمومی و عملیاتی سازی مفاد آن توسط مسئولین اجرایی خواهد شد. یکی از محورهای اصلی این بیانیه، توجه به آزادی است که می بایست با تبیین و تشریح آن، به راهبرد و راهکارهای عملی در چهل سال دوم انقلاب بیانجامد. منظور رهبری از واژه آزادی در بیانیه گام دوم یک ابرمفهوم است. آزادی نقطه مقابل وابستگی به بیگانگان و به معنای جدا بودن اقتدار و حاکمیت یک کشور از اقتدار کشورهای دیگر است. عدم وابستگی، به معنی قدرت یک دولت برای اداره امور داخلی و خارجی، بدون جلب نظر و موافقت یک دولت دیگر است. این تحقیق، از روش آمیزه ای و به کمک اسناد نوشتاری و سامانه های رایانه ای و نرم افزارهای علمی و روش داده پردازی توصیفی و تحلیلی بهره برده است و انواع آزادی از منظر دین و فرمایشات مقام معظم رهبری را مورد بررسی قرار می دهد. دستاوردها و نتایج تحقیق عبارتند از: تعریف رهبری از آزادی در بیانیه گام دوم انقلاب، آزادی و برپایی اجتماعات و گردهمایی برای مشورت و تبادل نظر، آزادی رفتاری در آزادی اجتماعی، حدود آزادی از منظر شرع، حکومت و تأمین منزلت آزادی اجتماعی، آزادی و منع ایجاد مزاحمت برای دیگران، آزادی بر مبنای دین، شعار جهانی. واژگان کلیدی: آزادی، بیانیه گام دوم انقلاب، فقه، مقام معظم رهبری، قرآن، حدیث

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: hasanzadehhoghogh@yahoo.com

آزادی مفهومی کشدار و در عین حال بسیار کلیدی است که همواره مورد توجه محافل مختلف اجتماعی سیاسی و صاحب نظران علوم سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است. آزادی انسان، عین تعلق و اسارت او به خدا است و به هر مقدار که بیشتر اسیر خدا شود، آزادی او بیشتر خواهد بود. طبق بیانیه گام دوم انقلاب امام خامنه ای، آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست.

آنچه از معنای لغوی آزادی همراه می شود این است که انسان در تصمیم خود برای کاری که انداب کرده امث آزاد باشد، و نیز در عمل تحت تأثیر و جور دیگری باشد. وی از نظر اندیشمندان اسلامی آزادی به عنوان یک کمال و ارزش انسانی که ریشه در خلقت انسان دارد در نظر گرفته شده است که برای دست یابی به هدف بالا وجود این لحاظ شده است.

از آن جایی که آزادی، دارای ابعاد فردی و اجتماعی است که اگر این تعریف، در اجتماع به کار رود می توان گفت آزادی یعنی در زندگی افراد جامعه هم مانع و محدودیتی ایجاد نشود مقام معظم رهبری حفظه الله در بیانیه گام دوم انقلاب، مرادشان از آزادی را چنین بیان کردند: آزادی به معنای حق تصمیم گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله ارزش های اسلامی اند و لطف الهی به انسان هایند و هیچ کدام تفضل حکومت ها به مردم نیست. ما مساله آزادی را در علوم مختلف دینی و فقهی به طور مفصل مورد بررسی قرار می دهیم.

با وجود تعاریف مختلف درباره آزادی و مقالات و نوشته ها مثل آزادی در اجتماعات بشری و آزادی در غرب و اسلام و ، بسیاری از این تعاریفی که در حوزه های مختلف بررسی شده همچنان این سؤال باقی است که تحلیل و تعریف دقیق تر در دین و فرمایشات مقام معظم رهبری چیست؟ در این مقاله درصدد هستیم که از منظر دین و فرمایشات مقام معظم رهبری، به مفهوم آزادی بحث کنیم و ان شاء الله راه گشا برای بهتر فهمیدن این مفهوم و انسداد سوء استفاده کنندگان گردد.

در خصوص بررسی انواع آزادی از منظر دین و فرمایشات مقام معظم رهبری مقالات جداگانه ای نوشته شده که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

مقاله « رهبرانقلاب و سیاست خارجی - استقلال» نوشته محسن پاک آیین، در این مقاله آمده: بیانیه گام دوم انقلاب که توسط مقام معظم رهبری، به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۷ منتشر شد، همانند یک نقشه راه است که مسیر دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی را نشان می دهد که ما به سیاست خارجی - استقلال می پردازیم.

مقاله دیگر « ویژه تبیین بیانیه گام دوم انقلاب، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و استقلال» اثر امین جلال منش که در آن چنین آمده است: یک کشور در سه بعد باید دارای استقلال باشد، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی و استقلال فرهنگی. اگرچه هر سه مانند حلقه به هم وصل هستند. رهبری در سخنرانی سال ۶۸ چند ماه بعد از رحلت امام خمینی استقلال فرهنگی را مطرح کردند و گفتند استقلال یک ملت جز با استقلال فرهنگی تامین نمی شود. اگر یک ملت استقلال سیاسی داشته و تحت تأثیر قدرت های بزرگ نباشد و از لحاظ اقتصادی نیز به خودکفایی کامل برسد، اما فرهنگ، اخلاق، عقاید و باورهای دشمنان و بیگانگان هنوز در آن کشور رواج داشته باشد و به استقلال فکری نرسیده باشند، نمی تواند ادعا کند به استقلال رسیده است. زیرا هنوز آزاد نشده است.

در این دو مقاله به بحث استقلال پرداخته شده است و سخنی هر چند کوتاه از آزادی به میان آمده است. اما در این مقاله به تحلیل بررسی انواع آزادی از منظر دین و فرمایشات مقام معظم رهبری می پردازیم.

مفهوم شناسی

الف) آزادی

شهید مطهری آزادی را چنین تعریف می کند:

آزادی یعنی بشر باید در اجتماع از ناحیه سایر افراد اجتماع آزادی داشته باشد، دیگران مانعی در راه رشد و تکامل او نباشند، او را محبوس نکنند به حالت یک زندانی در نیاورند که جلو فعالیتش گرفته شود، دیگران او را استثمار نکنند، استخدام نکنند، استبعاد نکنند یعنی تمام قوای فکری و جسمی خود او را در جهت منافع خودشان به کار نگیرند؛ این را می گویند آزادی اجتماعی. به عبارت دیگر: آزادی انسان است از قید و اسارت افراد دیگر.<sup>۲</sup>

برخی دیگر از اندیشمندان نیز در تعریف آزادی گفته اند: «یک معنای رایج از آزادی که در حقوق و سیاست مطرح است آزادی به معنای «حاکمیت بر سرنوشت خویش» است. انسان آزاد، یعنی انسانی که تحت حاکمیت غیر نباشد و خود، مسیر زندگی و منش و روش خویش را تعیین کند. طبعاً در مقابل، انسانی که تحت سلطه دیگری است و با امر و نهی او وادار به حرکت می شود و نمی تواند به دلخواه خود حرکت کند آزاد نیست.»<sup>۳</sup>

ب) فقه

فقه در لغت، به معنای دانستن و فهمیدن است و به معنای درک کردن چیزهای مخفی نیز آمده است.<sup>۴</sup> راغب در مفردات، آن را پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب معنا کرده است.<sup>۵</sup> فقه در اصطلاح فقیهان و اندیشمندان دین عبارت است: هر حکم، مشخص کننده وظیفه ای است که خداوند متعال در مورد هر یک از کارهای بندگان، از آنها انتظار دارد. هدف این احکام، این است که انسان عمل خاصی را در خارج انجام دهد یا ترک کند یا اینکه نسبت به ترک یا انجام آن مخیر باشد. و منظور از «علم فقه» علم یافتن به احکام شرعی است از راه های اثبات کننده آن.<sup>۶</sup> در دیگر تعریف: فقه، دانستن احکام شریعت است از راه استدلال و برهان.<sup>۷</sup>

آزادی در بیانیه گام دوم انقلاب از دیدگاه دین و فقه

در این قسمت به آزادی در بیانیه گام دوم انقلاب از نظر دینی و فقهی اشاره می شود:

الف) تعریف رهبری از آزادی در بیانیه گام دوم انقلاب

مقام معظم رهبری آزادی در بیانیه گام دوم انقلاب را چنین تبیین می کنند:

«استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت های سلطه گر جهان است؛ و آزادی به معنای حق تصمیم گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله ی ارزش های اسلامی اند و این هر دو عطیه ی الهی به انسانهاست و هیچ کدام تفضل حکومت ها به مردم نیستند.

حکومت ها موظف به تأمین این دو اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر میدانند که برای آن جنگیده اند. ملت ایران با جهاد چهل ساله ی خود از جمله ی آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون آورد صد ها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه های رفیع انسانیت. این ثمر شجره ی طیبه ی انقلاب را با

<sup>۲</sup> مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری. ج ۲۳، ص ۴۳۸.

<sup>۳</sup> مصباح یزدی، نظریه حقوقی اسلام، ص ۳.

<sup>۴</sup> جوهری، صحاح اللغه، ج ۶، ص ۲۲۴۳؛ فیروزآبادی، قاموس المحيط، ج ۴، ص ۲۸۹.

<sup>۵</sup> راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، واژه فقه، ص ۶۴۲.

<sup>۶</sup> جمال الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، ص ۲۶.

<sup>۷</sup> گرجی، تاریخ فقه و فقهاء، ص ۷.

تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمیتوان در خطر قرار داد. همه -مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی- موظف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود.<sup>۸</sup>

پس استقلال به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های جهان است. این یک تعریف بسیار بدیع است و تعریف بسیار جالبی است، استقلال را با آزادی تعریف می‌کنند ولی نه آزادی فرد، آزادی نیز به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است. جالب‌تر از اینها گفتم مانیفست اسلام‌گرایی است، یعنی به‌عنوان شاخص‌ترین رهبر اسلام‌گرای جهان می‌خواهند بگویند که من به استقلال و آزادی این‌گونه معتقد هستم که این دو از جمله ارزش‌های جامعه اسلامی و عطیه الهی به انسان‌ها هستند و هیچ‌کدام تفضل حکومت‌ها به مردم نیستند.<sup>۹</sup>

### ب) آزادی و برپایی اجتماعات و گردهمایی برای مشورت و تبادل نظر

طبق بیانیه گام دوم، آزادی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است.<sup>۱۰</sup> بر اساس اصل فقهی حریت، مردم از حق برپایی اجتماعات و گردهمایی برای مشورت و تبادل نظر در موضوعات مورد علاقه تحت عنوان حزب، اتحادیه و مانند آن برخوردارند و دولت اسلامی نمی‌تواند از آن ممانعت کند، مگر این که برای نظام و امت اسلامی مضر باشد.<sup>۱۱</sup>

### ج) آزادی رفتاری در آزادی اجتماعی

بر اساس بیانیه گام دوم، آزادی از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی برای همه‌ی افراد جامعه است.<sup>۱۲</sup> نوع آزادی، آزادی رفتاری است که متعلق آن اعضاء و جوارح انسان است. محدودکننده آزادی، تکالیف شرعی است. هرچند انسان دارای آزادی تکوینی است؛ اما انسان مومن از حیث آزادی تشریحی باید در چارچوب تکالیف الهی و شرعی عمل کند. این محدودکننده خود حاوی صورت‌های ذیل است:

- محدودیت‌کننده‌های اولیه (ذاتی) فقهی نظیر حرمت ربا، شرب خمر و اسراف که اینگونه محدودکننده‌ها، ثابت و غیر قابل تغییرند (حکم اولیه).

- محدودکننده‌های ثانویه که هنگام تعارض و تراحم احکام در یک متعلق خارجی بروز می‌کنند. مانند قاعده "لاضرر". این بخش از محدودیت‌ها، ثابت و همیشگی نیستند.

- محدودکننده‌های شرعی در صورتی که متعلق آزادی به زیان فرد باشد. بنابراین در اسلام حتی فرد در ارتباط با خودش هم آزادی عمل ندارد که با خود هر کاری کند و به خود زیان برساند.<sup>۱۳</sup>

### د) حدود آزادی از منظر شرع

طبق بیانیه گام دوم، آزادی عطیه‌ی الهی به انسانها و برای همه‌ی افراد جامعه است.<sup>۱۴</sup>

<sup>۸</sup>. خامنه ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ص ۱۰.

<sup>۹</sup>. خرمشاد، ۱۲ پیام از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ص ۱۵.

<sup>۱۰</sup>. خامنه ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ص ۱۰.

<sup>۱۱</sup>. مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ج ۱، ص ۱۳۲.

<sup>۱۲</sup>. خامنه ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ص ۱۰.

<sup>۱۳</sup>. برزگر، آزادی در الگوی سه گانه اسلام، ص ۸.

هنگامی که انسان به حد بلوغ و رشد می رسد، آزادی او را شرع در نظام قانونگذاری خود، محدودتر از پیش از بلوغ می سازد و او را موجودی مسؤول می شناسد و بر عهده او، بایدها و نبایدها می نهد.

از او حفظ ارتباط با آفریدگار در قالب نماز و روزه و توجه به ضعفای مستمندان و ترسیم چالشهای موجود در جامعه را به صورت ادای زکات و خمس و دفاع و جهاد با دشمن را می طلبد و بر او هر عملی فردی یا اجتماعی که حیات معنوی و رشد و تکامل او را تهدید می کند، مانند دروغ، غیبت، زنا، تعدی به حقوق دیگران را حرام می سازد و در برابر مسؤولیتهایی که برعهده انسان نهاده، هیچ گونه تقصیر و کوتاهی را در مرحله امتثال نمی پذیرد و تخلف از آنها را تجویز نکرده و از قلمرو انتخاب و اختیار انسان، خارج می داند.<sup>۱۵</sup> در قرآن آمده است:

" وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مِؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا؛<sup>۱۶</sup> هیچ مرد و زن مؤمنی، حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش، به کاری فرمان دهند، برای آنان، در آن، اختیاری باشد و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند، قطعاً دچار گمراهی آشکاری شده است."

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مِؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ أَيْنَكَ بَدَدٌ بِرَأْسِهِمْ  
او واجب و حکم نمودند (أمرأ) کاری را و آن را لازم کرده و بآن حکم نمودند. أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ اینکه بوده باشد بر ایشان اختیاری.

مِنْ أَمْرِهِمْ از امرشان بر اختیار خدای تعالی و معنای آن اینست که هر چیزی را که خدای تعالی بآن امر فرمود یا حکم بآن کرد برای هیچ کس نیست که مخالفت کند آنچه را که بآن امر شده بغیر خود واگذارد.

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَكَيْسِي كَمَا خَلَقَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَكَيْسِي كَمَا خَلَقَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَكَيْسِي كَمَا خَلَقَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ  
حقیقه گمراه شده گمراهی آشکاری یعنی رفته از حق رفتن ظاهری.<sup>۱۷</sup>

با این وجود، هرگز، به هیچ شخصیت حقیقی و حقوقی و حتی حاکم شرع، اجازه نمی دهد که بر سبیل مطلق، نسبت به تک تک واجبات و محرمات، از نیروی جبر و قهر، تا حد جرح، بهره گیرد و آحاد رعیت را بر امتثال تکالیف و وظایف شرعی خویش وادار سازد.<sup>۱۸</sup>

### ه) حکومت و تأمین منزلت آزادی

طبق بیانیه گام دوم، حکومتها موظف به تأمین منزلت آزادی و استقلال هستند.<sup>۱۹</sup> احکام الهی را از این نگاه، می توان دو قسم کرد و حکومت اسلامی، تنها نسبت به بخشی از آن، اختیار توسل به جبر و زور تا مرحله جرح و قتل را دارد.

۱. پاره ای از احکام است که حکومت اسلامی در برابر آن وظیفه ای جز امر به معروف و نهی از منکر تا مرحله ای که به قتل و جراحت نرسد، ندارد و این ویژگی، از آن احکامی است که تنها جنبه فردی الهی، مانند وجوب نماز و روزه، دارد و هیچگونه مفسده اجتماعی و تعدی به حقوق دیگران و هتک به مقدسات و تظاهر به منکرات و اقدام بر خلاف مصالح نظام، همراه ندارد.<sup>۲۰</sup> زیرا تحت هیچ عنوان فقهی ای، نمی توان دلیلی، بر تجویز توسل به جبر و زور تا مرحله جرح و قتل، حتی از

<sup>۱۴</sup> . خامنه ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ص ۱۰.

<sup>۱۵</sup> . ظهیری، حدود آزادی از نگاه کلام و فقه و عرفان، ص ۱۷۶.

<sup>۱۶</sup> . احزاب: ۳۶.

<sup>۱۷</sup> . طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۲۴.

<sup>۱۸</sup> . ظهیری، حدود آزادی از نگاه کلام و فقه و عرفان، ص ۱۷۶.

<sup>۱۹</sup> . خامنه ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ص ۱۰.

<sup>۲۰</sup> . ظهیری، حدود آزادی از نگاه کلام و فقه و عرفان، ص ۱۷۷.

باب امر به معروف و نهی از منکر درباره این بخش از تکالیف، یافت، مگر عنوان ثانوی الهی بر آن مترتب شود؛ زیرا گرچه بسیاری از فقها، مرتبه سوم امر به معروف (توسل به جبر و زور) را برای غیر حاکم شرع نیز حتی در باره این دسته از تکالیف که جنبه فردی الهی دارد، تجویز کرده اند. ولی حقیقت این است که گذشته از اینکه در مواردی موجب هرج و مرج می شود، دلیلی متقن و نقدناپذیری نمی توان بر این مدعا اقامه کرد و وجوهی که بر آن اقامه شده، جای نقد و سخن دارد که بی شک از حوصله این نوشته به دور است و بحث مستقلی را می طلبد.<sup>۲۱</sup>

۲. دسته دیگر، احکامی است که شارع حکیم، همچنان که در مرحله تشریح، استفاده از آزادی تکوینی انسان را ممنوع کرده، در مرحله عمل نیز، حکومت اسلامی را ناظر اجرای آن قرار داده و به منظور اجرای دقیق آن، استفاده از جبر و تحمیل و برخورد جدی با متخلفان را، تجویز، بلکه واجب شمرده است و در برخی موارد، حد یا تعزیر و تنبیه بدنی و مالی و در مواردی قتل، برای آن در نظر گرفته است و بدین سان، آزادی انسان را محدود ساخته است.<sup>۲۲</sup>

در نگاه کلی، می توان آزادی اجتماعی انسان را از منظر فقهی، در مواردی که یکی از این عناوین کلی بر آن منطبق است، ممنوع شمرد:

۱-۲. تعدی به مال و جان و ناموس و عرض دیگران؛

۲-۲. تعدی به حقوق دیگران؛

۳-۲. ایجاد مزاحمت برای دیگران؛

۴-۲. تظاهر به منکرات؛

۵-۲. تخلف از مقررات حکومتی و عدم رعایت مصالح نظام؛

۶-۲. اهانت به مقدسات.<sup>۲۳</sup>

### و) آزادی و منع ایجاد مزاحمت برای دیگران

طبق بیانیه گام دوم، «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش های الهی و حقوق عمومی تعریف شود.<sup>۲۴</sup> در نظام اسلامی، از نگاه فقهی، به هیچ کس اجازه استفاده از آزادی جهت ایجاد مزاحمت برای دیگران (چه مسلمان و چه کفار ذمی) داده نشده است، حتی مالکی که از طریق تصرف در مال خویش، برای دیگران ایجاد مزاحمت می کند، از نگاه فقهی، حق چنین کاری را ندارد و حاکم شرع، موظف است با اعمال چنین آزادی ای برخورد جدی کند و بدینسان، آزادی او را محدود سازد.<sup>۲۵</sup>

فلسفه ضرورت اصل وجود حکومت بویژه لزوم اداره آن به دست فقیه جامع الشرایط، خود، دلیل روشنی است بر اینکه حاکم شرع، موظف است این گونه آزادی ها را از جامعه زدوده و برای برقراری کامل امنیت و آسایش شهروندان، برخورد جدی با آنان داشته باشد.<sup>۲۶</sup>

علاوه بر این، حدیث معتبر نبوی(ص) «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ فِی الْإِسْلَامِ»<sup>۲۷</sup> شاهد محکمی است بر نفی آزادی انسان در اموری که برای دیگران ایجاد مزاحمت می کند.

<sup>۲۱</sup> همان.

<sup>۲۲</sup> همان، ص ۱۷۸.

<sup>۲۳</sup> همان، ص ۱۷۹.

<sup>۲۴</sup> خامنه ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ص ۱۰.

<sup>۲۵</sup> ظهیری، حدود آزادی از نگاه کلام و فقه و عرفان، ص ۱۸۳.

<sup>۲۶</sup> همان، ص ۱۸۴.

عجیب اینکه برخی از بزرگان ما، روایت مذکور را به عنوان دلیل بر آزادی مشروع می آورد، با اینکه تناسب آن با تحدید آزادی، با نظر به متن و مورد صدورش، بیشتر است تا تشریح آزادی، گرچه می توان به تقریبی، از روایت مذکور، آزادی انسان را در محیط منزل خویش نیز استفاده کرد که البته، این مرتبه از آزادی، چندان ابهامی ندارد و مورد جدال موافق و مخالف در باب آزادی پژوهی نیست.<sup>۲۸</sup>

به نظر می رسد که لازم است برای شفاف تر شدن بحث، ابتدا، با متن دقیق و شأن صدور این روایت آشنا شویم. مرحوم صدوق، روایت را به سند معتبر از ابن بکر و او از زراره، چنین نقل می کند:

« رَوَى ابْنُ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ إِنَّ سَمْرَةَ ابْنَ جَنْدَبٍ كَانَ لَهُ عَدْقٌ فِي حَائِطِ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَ كَانَ مَنْزِلُ الْأَنْصَارِيِّ فِيهِ الطَّرِيقُ إِلَى الْحَائِطِ فَكَانَ يَأْتِيهِ فَيَدْخُلُ عَلَيْهِ وَ لَا يَسْتَأْذِنُ فَقَالَ إِنَّكَ تَجِيءُ وَ تَدْخُلُ وَ نَحْنُ فِي حَالِ نَكْرَةٍ أَنْ تَرَانَا عَلَيْهِ فَإِذَا جِئْتَ فَاسْتَأْذِنْ حَتَّى تَنْحَرَّزَ ثُمَّ نَأْذِنَ لَكَ وَ تَدْخُلُ قَالَ لَا أَفْعَلُ هُوَ مَالِي أَدْخُلُ عَلَيْهِ وَ لَا أَسْتَأْذِنُ فَأَتَى الْأَنْصَارِيُّ رَسُولَ اللَّهِ ص فَشَكَاَ إِلَيْهِ وَ أَخْبَرَهُ فَبَعَثَ إِلَى سَمْرَةَ فَجَاءَهُ فَقَالَ لَهُ اسْتَأْذِنْ عَلَيْهِ فَأَبَى وَ قَالَ لَهُ مِثْلَ مَا قَالَ لِلْأَنْصَارِيِّ فَعَرَضَ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ يَشْتَرِيَ مِنْهُ بِالثَّمَنِ فَأَبَى عَلَيْهِ وَ جَعَلَ يَزِيدُهُ فَيَأْبَى أَنْ يَبِيعَ فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ لَهُ لَكَ عَدْقٌ فِي الْجَنَّةِ فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَ ذَلِكَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْأَنْصَارِيَّ أَنْ يَقْلَعَ الثَّخْلَةَ فَيُلْقِيَهَا إِلَيْهِ وَ قَالَ لَا ضَرَرَ وَ لَا إِضْرَارَ.<sup>۲۹</sup> امام باقر(ع) فرمود: سمره بن جندب، درخت خرمایی، در باغ یکی از انصار داشت که راه آن، از منزل انصاری می گذشت. سمره، هر گاه به سراغ درخت خود می رفت، سرزده و بدون اجازه وارد منزل انصاری می شد. مرد انصاری (از روی اعتراض) به او گفت: "تو، بی اجازه و سرزده، وارد منزل ما می شوی و ما، در حالتی هستیم که هرگز دوست نداریم ما را در آن حالت ببینی. از این پس، با اجازه وارد شو تا ما خود را (از آنچه ناخوشایند است) حفظ کنیم و سپس اجازه ورود به منزل دهیم." سمره گفت: "من، اجازه نخواهم گرفت؛ [زیرا]، نخل، مال من است و به آن سر می زنم اجازه هم از شما نخواهم گرفت." مرد انصاری، به خدمت رسول خدا(ص) شکایت کرد. حضرت(ص) کسی را دنبال سمره فرستاد. او آمد. حضرت به او فرمود: "از این پس، با اجازه وارد شو!" سمره، نپذیرفت و آنچه را به مرد انصاری، گفته بود (با کمال گستاخی) به رسول خدا(ص) عرض کرد. حضرت پیشنهاد فرمود درخت خود را با قیمت مناسبی به او بفروشد، باز امتناع کرد. هر چه پیامبر(ص) به قیمت آن می افزود، سمره باز امتناع می کرد. رسول خدا(ص) با دیدن این گونه سماجت از او، فرمود: "[در برابر این نخل] نخلی در بهشت از آن تو است." او، باز امتناع ورزید. رسول خدا(ص) پس از احراز اینکه او حاضر نیست به هیچ وجه دست از مزاحمت خود برای مرد انصاری بردارد، به انصاری دستور فرمود که درخت او را بکند و بیش از اندازه. سپس فرمود: "(دراسلام) حکم ضرری نیست و کسی را حق ضرر رساندن به دیگران، نخواهد بود."<sup>۳۰</sup>

ملاحظه می کنید که شأن صدور "لاضِرَرٌ وَ لاِضْرَارٌ"، انسان گستاخی (سمره بن جندب) است که از آزادی خود سوء استفاده می کند و با دستاویز کردن شعار "احترام مالکیت" بی خبر و سرزده، وارد منزل مسلمانی می شود و بدین سان موجب اذیت و مزاحمت برای او و خانواده اش می گردد. رسول خدا(ص) با جمله بسیار بلند و ارزشمند "لاضِرَرٌ وَ لاِضْرَارٌ"، عملاً، به عنوان حاکم مسلمانان، فرمان می دهد که آن درخت را ریشه کن ساخته و با کندن درخت، زمینه مزاحمت و ایدای او را برای همیشه، نابود می کند.

بنابراین، خاستگاه اصلی روایت مذکور، نفی مشروعیت آزادی مزاحمت آمیز سمره بن جندب است، گرچه از نگاه دیگر، می توان از روایت مذکور، احترام آزادی مرد انصاری و خانواده اش را در محیط منزل - که حرکت گستاخانه سمره، آن را تهدید

<sup>۲۷</sup> . کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۹۲.

<sup>۲۸</sup> . ظهیری، حدود آزادی از نگاه کلام و فقه و عرفان، ص ۱۸۴.

<sup>۲۹</sup> . کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۹۲.

می‌کرد - نیز استفاده کرد، ولی پیدا است که ضرورت این نوع آزادی، مورد وفاق همه آزادی پژوهان است و چندان واضح و آشکار است که نیازی به استدلال و ارائه برهان نخواهد داشت.<sup>۳۰</sup>

### ز) آزادی بر مبنای دین، شعار جهانی

آزادی یعنی همه افراد ملت حق تصمیم‌گیری، عمل کردن و اندیشیدن را دارند اما نکته‌ای که رهبری به طور صریح به آن اشاره می‌کنند، درباره مفهوم واژه آزادی و استقلال وظیفه‌تأمینش به عهده حکومت‌هاست اما این‌طور نیست که این موارد تفضل حکومت‌ها بر مردم باشد و هر دو عطیه الهی به انسان‌هاست.<sup>۳۱</sup>

پس آنچه ما شعارش را سر می‌دهیم یک شعار جهانی بر مبنای دین است و فقط محدود به مرز و بوم ایران نمی‌شود. شعاری که ما پرچم آن را بالا گرفتیم که انشاء... همه مردم به آن برسند. در استقلال و آزادی که مطرح است، باید با نگاه آرمانگرایانه به آن بنگریم و با خود بگوییم برای چه هدفی مستقل شدیم و می‌خواهیم آزادی را برقرار کنیم؟

هدف از انقلاب و برقراری آزادی و استقلال بحث تحقق جامعه اسلامی است، یعنی جامعه امام زمان پسند که باید سه ویژگی داشته باشد؛ عادلانه و عادل، پیشرفته معنوی باشد رمز برقراری چنین جامعه‌ای استقلال است و انشاءالله به برکت این استقلال بتوانیم راه ساخت یک کشور مستقل، پیشرفته، عادلانه و معنوی را طی کنیم و بتوانیم مردم را به سوی تمدن نوینی اسلامی سوق دهیم با جامعه‌ای که از استقلال فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برخوردار است.<sup>۳۲</sup>

### نتایج

آزادی مفهومی کشدار و در عین حال بسیار کلیدی است که همواره مورد توجه محافل مختلف اجتماعی سیاسی و صاحب نظران علوم سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است. آزادی انسان، عین تعلق و اسارت او به خدا است و به هر مقدار که بیشتر اسیر خدا شود، آزادی او بیشتر خواهد بود. طبق فرمایشات امام خامنه‌ای، آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست. این مقاله با عنوان بررسی انواع آزادی از منظر دین و فرمایشات مقام معظم رهبری می‌باشد که نتایج آن عبارتست: تعریف رهبری از آزادی در بیانیه گام دوم انقلاب، آزادی و برپایی اجتماعات و گردهمایی برای مشورت و تبادل نظر، آزادی رفتاری در آزادی اجتماعی، حدود آزادی از منظر شرع، حکومت و تأمین منزلت آزادی اجتماعی، آزادی و منع ایجاد مزاحمت برای دیگران، آزادی بر مبنای دین، شعار جهانی.

### منابع

قرآن مجید.

### الف) فارسی

برزگر، ابراهیم، آزادی در الگوی سه گانه اسلام، تهران: الگوی پیشرفت (وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)، ۱۳۹۳. جلال منش، امین، «منظور رهبری از واژه استقلال در بیانیه گام دوم یک ابرمفهوم»، پایگاه صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۸/۰۳/۱۱.

خامنه‌ای، علی، بیانیه گام دوم انقلاب، تهران، دفتر حفظ و نشر آثار رهبری، ۱۳۹۷.

خرمشاد، محمدباقر، «۱۲ پیام از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، پایگاه پایداری ملی، ۱۳۹۸/۰۵/۱۲.

<sup>۳۰</sup> ظهیری، حدود آزادی از نگاه کلام و فقه و عرفان، ص ۱۸۵.

<sup>۳۱</sup> خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ص ۱۰.

<sup>۳۲</sup> جلال منش، منظور رهبری از واژه استقلال در بیانیه گام دوم یک ابرمفهوم، ص ۵.



- ظهیری، عباس، «حدود آزادی از نگاه کلام و فقه و عرفان»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ۱۳۷۹.
- گرچی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۷ ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه حقوقی اسلام، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.
- هاشمی شاهرودی، محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۰.

ب) عربی

- جمال الدین، حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللّغة، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار النشر، ۱۴۲۰.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، نشر رضی، قم، ۱۴۱۲ ق.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع)، ۲۰۱۲.
- کلینی، محمد، کافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵.